

حل مسائل زناشویی

SOLVING MARRIAGE PROBLEMS

راه حل های کتاب مقدس
برای مشاوران کلیسا

**Biblical Solutions for
Christian Counselors**

مؤلف : جی آدامز (Jay Adams)
مترجم : شاهرخ صفوی

پیشگفتار نویسنده کتاب

سال های نه چندان دوری بود که پیامبران شوم جهان خیر مرگ کانون ازدواج را برای ما میآوردند. با ظهور زندگی گروهی و اشتراکی، ازدواج های بی قید و شرط، و قرار داد های ازدواج قابل فسخ به عنوان سبک مدرن و ”متمدن“ زندگی، آینده زندگی زناشویی به نحوی که در طول تاریخ ”سنتی“ گردیده بود را غیر قابل دوام میدانستند.

اما با وجود پیش بینی های هولناک این افراد، نه تنها ازواج ها دوام یافته است، بلکه ازدواج های مسیحیان قوی تر از هر زمان گردیده اند. در نتیجه چنین حملاتی به جانب ازدواج، تعلیمات و موعات بیشتری در خصوص ازدواج ایجاد شده، کتاب های بیشتری نوشته شده، و علاقه زیادی به کسب ”فن مشاوره ای ازدواج در کلیسا“ به وجود آمده است.

پیشگفتار مترجم

این کتاب شامل ۸۰ صفحه می باشد و در نتیجه نمی توان آن را به صورت یک فایل منتشر ساخت. با انتشار جداگانه هر فصل، چاپ آن برای شما سریع تر خواهد بود.

شخصی که به مشاور مسیحی رجوع می کند در این کتاب ”مقاضی“ نامیده شده، و شخص مشاور نیز ”مشاور“ نامیده شده است.

شاهرخ صفوی

فهرست مطالب

فصل اول: ازدواج نیاز به مشاوره مسیحی دارد	
فصل دوم: ازدواج شخص مشاور	
فصل سوم: چه باعث مسائل زناشویی می شود؟	
فصل چهارم: برداشت هائی از ازدواج که خلاف کلام خدا هستند: بخش اول	
فصل پنجم: برداشت هائی از ازدواج که خلاف کلام خدا هستند: بخش دوم	
فصل ششم: ترکیبات گناه در زندگی : انواع عمومی	
فصل هفتم: ترکیبات ویژه گناه در زندگی: بخش اول	
فصل هشتم: ترکیبات ویژه گناه در زندگی : بخش دوم	
فصل نهم: اهمیت روابط با دیگران	
فصل دهم: روابطی که ایجاد مسائل می کنند: بخش اول	
فصل یازدهم: روابطی که ایجاد مسائل می کنند: بخش دوم	
فصل دوازدهم: نفوذ های معمول اجتماعی	
فصل سیزدهم: چگونه می توان مسائل زندگی زناشویی را شناسائی کرد	
فصل چهاردهم: خیال ها و راه حل های باطل	
فصل پانزدهم: مقاصد اساسی در مشاوره ازدواج	
فصل شانزدهم: مسائل منحصر به نقش زن و مرد در ازدواج: بخش اول - زنان	
فصل هفدهم: مسائل منحصر به نقش زن و مرد در ازدواج: بخش دوم - شوهران	
خلاصه مطالب	

فصل شانزدهم

مسائل منحصر به نقش زن و مرد در ازدواج

بخش اول: زنان

میان مسائلی بسیاری که می توان در این فصل به زبان آورد، بحث را محدود به سه موضوع خواهم کرد: یار تسلیم شده، روابط با فرزندان، و تغییر روحانی.

یار تسلیم شده

تسلیم کلمه ای است که بخاطر استفاده در افسسیان ۵ و اول پطرس ۳، مورد بحث زیادی قرار گرفته است. این آیات بطور واضح می گویند زنان باید تسلیم شوهرشان باشند. اما بطوری که معمولاً در در مورد کلام خدا و کلمات استفاده شده در آن رایج می باشد، از این کلمه بدون توجه به معنی که در کتاب مقدس دارد استفاده شده است.

برای آنکه تسلیم را مطابق با کلام خدا شرح دهیم، باید توجه به آیات مربوط به آن در این دو فصل بنمائیم:

افسسیان ۵

- ۲۲ : ای زنان، تسلیم شوهران خود باشید، همان گونه که تسلیم خداوند هستید.
- ۲۳ : زیرا شوهر سر زن است، چنان که مسیح نیز سر کلیسا، بدن خویش، و نجات دهنده آن است.
- ۲۴ : پس همان گونه که کلیسا تسلیم مسیح است، زنان نیز باید در هر امری تسلیم شوهران خود باشند.
- ۲۳ب: و زن باید شوهر خویش را حرمت نهد.

اول پطرس ۳

- ۱: به همین سان، شما ای زنان، تسلیم شوهران خود باشید تا چنانچه از ایشان برخی به کلام ایمان نداشته باشند، بی آنکه سخنی بر زبان آورید، در اثر رفتار شما جذب شوند،
- ۲: زیرا زندگی پاک و خداترسانه شما را مشاهده خواهند کرد.
- ۳: زیبایی شما نه در آرایش ظاهری، همچون گیسوان بافته و جواهرات و جامه های فاخر،
- ۴: بلکه در آن انسان باطنی باشد که آراسته به زیبایی ناپژمردنی روحی ملایم و آرام است، که در نظر خدا بس گرانبه است.
- ۵: زیرا زنان مقدس اعصار گذشته که بر خدا امید داشتند، خود را بدین گونه می آراستند. آنان تسلیم شوهران خود بودند،
- ۶: چنانکه سارا مطیع ابراهیم بود و او را سرور خود می خواند. شما نیز اگر نیک کردار باشید و هیچ ترس به دل راه ندهید، فرزندان او خواهید بود.

در این آیات تمام ضرورت های مربوط به تسلیم شدن زنان به شوهرشان را مشاهده می کنیم. وقتی تمام آیات را مورد توجه قرار بدهید خواهید دید که تسلیم شامل دو قسمت می باشد: احترام و اطاعت. بخاطر آنکه اشخاص کمی تسلیم زن به شوهرش را مطابق کلام خدا برداشت می کنند، فایده ای ندارد که مشاور زن را دستور بدهد که تسلیم شوهرش گردد. ابتدا مسئله زن این است که نمی داند "تسلیم" یعنی چه. شما باید بتوانید آن را به او شرح دهید. علاوه بر این، باید بتوانید به اعتراض های او پاسخ

دهید و سؤتاهمات را از میان بر دارید. در غیر اینصورت، او یا مجاب نخواهد شد، و یا از روی بی میلی اجابتی که مطابق با کلام خدا نیست را به دل خواهد سپرد.

احترام

”من چطور می توانم به مردی که دائماً مست و خمار است احترام بگذارم؟“. معترض دیگری می گوید، ”بله، و مردی که فرزندانش را کتک می زند و همسرش را نادیده می گیرد؟“ این ها سؤالات مشروع و مهمی است که مشاور ازدواج باید توانائی جواب به آن ها را داشته باشد. چگونه زنی می تواند به شوهری که نجات نیافته و زندگی گناه آلودی را دنبال کرده احترام بگذارد؟ بطوری که می بینیم، پولس انتظار دارد زنان تسلیم شوهران بی ایمانشان باشند (”چنانچه از ایشان برخی به کلام ایمان نداشته باشند“). چگونه زن خوانه دار می تواند چنین کاری را بکند؟

زن مسیحی حتی توانائی احترام گذاشتن به شوهر ناهنجار و از خدا بی خبر را دارد، نه بخاطر قدرتی که چنین شوهری دارد، بلکه بخاطر نقش مقتدری که به او محول شده است.

وقتی پلیس راه شما را بخاطر سرعت زیاد توقیف می کند با اعتراض نمی گوئید، ”یک دقیقه صبر کنید. من قبل از آنکه این جریمه را بپردازم احتیاج دارم مقداری اطلاعات شخصی از شما داشته باشم“. خوب می دانید این اعتراض به ضرر شما تمام خواهد شد. اقتدار او ربطی به شخصیت، عقاید، و یا رفتار او ندارد. این اقتدار از جانب دولتی که او نماینده آن است، به او داده شده است. شما تسلیم او می شوید چون خدا به شما دستور داده تسلیم تمام مقامات دولتی بشوید.

همینطور به زنان مسیحی دستور داده شده تسلیم شوهرانشان باشند، نه بخاطر قدرتی که در وجود خود دارند، بلکه بخاطر اقتداری که خدا بعنوان سر خوانواده به آن ها داده است. ربطی به اقتدار شخصی که ممکن است بر درون خود داشته باشند ندارد، بلکه اقتداری است که از خارج به آن ها محول شده است. و چون شوهران اقتدار خود را از خدا دریافته کرده اند، وقتی زنان احترام به شوهرانشان می گذارند، به خدا است که احترام می گذارند. و به عکس، اگر بی احترامی به شوهرانشان بکنند، بی احترامی به خدا کرده اند.

این موضوع ها باید برای زنانی که در خصوص احترام به شوهرانشان موعترض می باشند روشن شود. نقش زن خانه دار مسیحی با آنچه در دنیا رواج دارد کاملاً متفاوت است. صحبت و رفتار زن مسیحی با شوهرش باید مستند بر احترام به خدا و عطای اقتداری که به شوهرش داده باشد. به همین خاطر است که پولس به زن خانه داران می گوید روحی ملایم و آرام در نظر خدا داشته باشند(اول پطرس ۳: ۲۶).

اطاعت

زن می گوید ”احترام را قبول دارم، ولی اطاعت چیز دیگری است. من دوست ندارم شوهرم به من دستور بدهد“. اطاعت را چگونه می توانیم معنی کنیم؟ پطرس آن را بطور واضح گفته، این نیز قسمتی از تسلیم است: ”چنانکه سارا مطیع ابراهیم بود و او را سرور خود می خواند“.

آیا زن باید در همه چیز از شوهرش اطاعت کند؟ بله، بطوری که افسسیان ۵: ۲۴ گفته است. ولی البته محدود به مواردی که خدا اقتدار آن را به شوهر داده. اقتداری که خدا به کلیسا، محل کسب و کار، دولت، و خانه داده، هر یک اقتدار محدودی می باشند. محدوده آن بستگی به اقتدار اهداء شده می باشد.

اقتدار وضع کردن کلام خدا تنها به کلیسا داده شده، و دولت چنین اقتداری را ندارد. وقتی دولت حق به کلیسا نداد در نام عیسی مسیح وضع کند، رسولان با اعتراض گفتند:

اعمال ۵

۲۹: پطرس و رسولان دیگر پاسخ دادند: «خدا را باید بیش از انسان اطاعت کرد

حق انتخابشان میان دو مرجع اقتدار و معتبر خدا، ولی مقایر با هم نبود. میبینیم که رسولان معتقد بودند دولت پا فراتر از اقتداری که خدا به آن داده بود گذاشته است (اقتدار استفاده شده «انسانی» بود). همچنین به دولت است که تنها اقتدار شمشیر داده شده است (رومیان ۱۳). نتیجتاً کلیسا یا خانه نیز حق بدست گرفتن شمشیر را ندارد. این حق دولت است. زن نیز باید از شوهرش اطاعت کند، بر حسب حقی که به او داده شده، اما نه نامحدود. قلمرو محدودیت بر حسب آنچه در کلام گفته شده می باشد. خدا حق شوهر را نیز محدود کرده بخاطر آنکه گناه را هیچگاه مشروط نکرده است. عقیده آنکه زن باید از شوهرش اطاعت کند حتی اگر فرمان به گناه کردن را بدهد در کتاب مقدس بی گانه است. نتیجتاً اگر شوهری به زنش امر کند که همراه او به جلسه معاوضه زن و شوهر برود، او باید با احترام امتناع کند، و بگوید، «خواهش می کنم از من نخواه گناه کنم، خدا بمن فرمان داده زنا نکنم. حق چنین امری را به شما نیز نداده». توجه داشته باشید که زن باید از سارا تقلید کرده «نیک کردار باشید و هیچ ترس به دل راه ندهید». زن نباید به دلیل فشار های وارده تسلیم کار گناه آلود شود، و علاوه بر این، به خاطر پافشاری انجام آنچه درست است بترسد. دلیل آنکه در آیه مورد نظر از زن خواسته شده از تهدید نترسد این است که اطاعت از خدا همیشه بدون در دسر نیست.

البته اکثر مسائل مربوط به تسلیم زن به شوهرش ربطی به محدودیت حق شوهر ندارد. معمولاً متمرکز بر عجله کردن (مثلاً بخاطر آنکه دیر شده) و ترجیح دادن است (من فکر می کنم این بهتر است)، که کاملاً در محدوده حق شوهر می باشد. در این خصوص زن باید مایل به اطاعت باشد، حتی اگر خوشش نمی آید. اگر سؤال یا ابهامی هست، باید با شوهرش مشورت کند، ولی نهایتاً زن باید قبول داشته باشد که حق تصمیم نهائی همیشه با شوهر است و نتیجتاً فرض بر آن داشته باشد که شوهرش انتخاب صحیحی را خواهد کرد.

وقتی با زنی که مشکل اطاعت از شوهرش را دارد مشاوره می کنید، این خصوصیات و محدودیت ها را در نظر داشته باشید. البته موضوع های دیگری در خصوص اطاعت وجود دارد که در فصل بعد، در رابطه با شوهری که سر خانه است صحبت خواهیم کرد. حال بپردازیم به موضوع زنی که یار شوهرش می باشد.

زنی که یار شوهرش است

زن خانه دار کنیز نیست. به هیچ عنوان. زن ایده آلی که در امثال ۳۱ (۱) بیان شده، شخص دانا و با معرفتی است (من در کتاب «زندگی در خانواده مسیحی» (۲) صحبت بیشتری راجع به امثال ۳۱ کرده ام). بطوری که در آن میبینیم اطاعت زن خوانه دار چشم و گوش بسته نیست. او فکرش را بکار می برد، نظرش را برای خیریت خانواده می گوید. او باید نظر هایش را به راهتی همراه با احترام بگوید، و شوهرش نیز باید آن ها را مورد توجه کامل خود قرار بدهد (چون برای خیریت او و خانواده او محسوب می شود). او برای شوهرش یار کمک رسان می باشد. در پیدایش می خوانیم:

پیدایش ۲

۱۸: یهوه خدا فرمود: «نیکو نیست که آدم تنها باشد، پس یآوری مناسب برای او می‌سازم.»

برای تنهائی مرد (جسمی و فکری)، زن یار کاملی است؛ او «یآوری مناسب برای او» بود. توجه داشته باشید که یار برای شوهر محدود به آشپزی و شست و شوی نیست. آیه مورد نظر هیچ محدودیتی را برای کمک رسانی نگذاشته است. زن باید در همه چیز یار شوهرش باشد. کمکی که می‌کند عامل ضروری «یآوری» اوست. به عبارتی دیگر پیدایش ۲: ۱۸ را می‌توانیم این گونه بیان کنیم، «خوب نیست شوهر به تنهائی تصمیم بگیرد». شاخص عمده زن ایده آلی که در امثال ۳۱ شرح داده شده این است که از همه لحاظ به شوهرش کمک می‌کند. به همین خاطر است که:

امثال ۳۱

۲۳: شوهرش را در دروازه‌های شهر می‌شناسند، و با مشایخ ولایت می‌نشیند.

وقتی زن متوجه میشود که نظر شوهرش صحیح نیست، باید به او کمک کند دلیل آن را بشناسد. اگر زندگی او در مسیر درستی نیست، به او کمک کند تا به راه خدا برگردد. اگر بخاطر تصمیمی که باید بگیرد گیج شده است، باید بهترین دلائل خود را ارائه کند تا تصمیم گرفتن برایش آسان شود. کمکی که با احترام ارائه شود، هیچ وقت تضادی با تسلیم ندارد. آن به این خاطر است که تسلیم نیاز به همکاری دارد. و این است که باید انجام دهد، همیشه توام با روحیه احترام و تمایل به اطاعت، حتی زمانی که موافق نیست. همان گونه که بدنی شامل دو سر را هیولا می‌شناسیم، خانه نیز باید تنها یک سر داشته باشد.

بطوری که نقش زن خانه دار شامل کمک کردن در تمام موارد خانه می‌باشد، عدم اجرای آن نیز باعث ایجاد کشمکش‌های شدیدی در زندگی زناشویی خواهد شد. می‌توان زنی را مجسم کرد که بجای آنکه طرف شوهرش را بگیرد، در راه جانب داری با او تلاش کند، به او در همه چیز کمک کند، ایده به او بدهد، در مسیری که هدف مشترکی را دارد کار کند، زن خلاف آن را انجام دهد. زنان بسیاری هستند که با بی‌زاری بودن از شوهرشان، سعی می‌کنند مانعی برای او باشند. زن در خصوص تربیت فرزندان با شوهرش مخالفت می‌کند، در اجرای برنامه‌هایی که دارد کار شکنی می‌کند، در ابراز عقاید خود ممانعت می‌کند، و پس از آنکه کار خراب شد از او خورده می‌گیرد. بجای طرفداری از او، زنگی زناشویی را صحنه جنگ می‌کند.

بزرگترین کمک یا حتی مخالفتی که ممکن است شوهری دریافت کند از جانب زنش می‌باشد. از آن جایی که مخالفت با اقتدار خدا گناه است، مشاوران ازدواج کلیسا باید با طریقی که زن با نقش رهبر خانه که خدا به شوهر داده مخالفت می‌کنند آشنا باشند. وقتی با چنین خراب کاری‌ها مواجه شدند باید جانب توبه را بگیرند و سپس زن را در راه و روش‌های یار موافق تربیت کنند. توبه از یار موافق نبودن کافی نیست؛ آن‌ها را باید در انجام نقش یار موافق کارآموزی داد. توبه نه تنها از «از تن در آوردن» است، بلکه شامل «در بر کردن» نیز می‌باشد. این اقدام دوم را بیشتر مشاوران نادیده می‌گیرند.

روابط با فرزندان

در اینجا می‌خواهم به آنچه قبلاً گفته بودم تأکید کنم، که وقتی زن خانه داری رابطه‌اش را با شوهرش ضعیف می‌کند، توجهی که باید به شوهرش بکند را به جانب فرزندانش منتقل می‌سازد، خصوصاً

پسرانش. چون زنان مردم دار هستند، و وقت بیشتری از شوهران صرف فرزندان می کنند، تعجب ندارد که وقتی مصلحت خود را در جای دیگری می بیند، معمولاً بر فرزندان منتقل می شود. هر گاه زنی یآوری خود را از شوهر به فرزندان منتقل می کند، رابطه اش با شوهر خرابتر می شود. طول نخواهد کشید که رابطه اش با فرزندان نیز خراب گردد. وقتی موقع بیرون رفتن از خانه و شاید ازدواج فرا می رسد، مادرش سعی خواهد کرد او را نزدیک خود نگاه دارد یا در ازدواجش کار شکنی کند. علاوه بر این، وقتی موفق شد پسرش را از زنش جدا سازد، محبتش همان لحظه به فرزندش بر نمی گردد.

تغییر روحانی

باید شوهران و مشاوران را یاد آور کنم که زنان هر ماه قاعده و تغییرات در زندگی خود را دارند. بخاطر تغییرات هُرمونی و عوامل طبیعی دیگر، که این دوره را سخت می کند، زنان با وسوسه هائی روبرو می شوند که مردان نمی شوند. البته زنان مجبور نیستند بخاطر این فشار ها، بد اخلاق و یا دچار افسردگی می شوند.

خلاصه مطالب

بدون آنکه صحبت از یکایک امکاناتی که هر مورد مختلف ممکن است داشته باشد، اصول اساسی نقش زن در زندگی زناشویی را بررسی کرده ام. مشاورانی که برداشت کاملی از این اصول دارند، خواهند توانست آن ها را به موارد بخصوصی که پیش می آیند، ربط بدهند.

تکلیف

سؤالات زیر را در رابطه با کلام خدا جواب دهید:

۱. شوهر بی ایمانی به زنش می گوید دیگر هیچ وقت نباید به کلیسا برود. شما چگونه با او مشاعره می کنید؟
۲. زنی می داند تصمیمی که شوهرش گرفته اشتباه است و سر انجام فجیعی بر خانواده خواهد داشت. شما به او می گوئید چه کند؟
۳. شوهری اجازه به زنش نمی دهد نظرش را بگوید، حتی در حالت فروتنی. او می گوید، ”خدا مرا سر این خانواده کرده؛ کار تو این نیست که نظرت را بگوئی، بلکه مطیع من باشی“. شما در این مورد چه خواهید گفت؟
۴. شوهری از وظیفه رهبری خود ممانعت می کند، و چون تصمیمات زن او حکیمانه است، تمام مسئولیت آن را بر گردن او قرار می دهد. آیا نصیحت شما این است که آن را قبول کند؟

فهرست زیر نویس های فصل شانزدهم

- (۱) کپی امثال ۳۱ را می توانید در قسمت جزوات پیدا کنید.
- (۲) کتاب ”زندگی در خانواده مسیحی“ به زبان فارسی ترجمه شده و آن را می توانید در همین وب سایت مشاهده کنید.